

۴ شنبه ۱۸/۳/۱۴۰۵-۲۴ ذیحجه ۱۴۴۷- ۱۰ ژوئن ۲۰۲۶- درس ۱۵۹ فقه الروابط از فقه مدیریت رفتاری سازمانی از فقه الاداره از فقه معاصر- نقشه راه امام صادق ع در مصباح الشریعه - روابط اربعه - رابطه رابعه - معامله الدنيا - اصول سبعة - اصل سوم - تَرْكُ طَلْبِ الْمَفْقُودِ ۸- فقه الحدیث ۴

❖ مسئله‌ی ۱۵۹: کارکنان باید از منابع موجود بهره‌وری بهینه کنند؛ یعنی آن‌ها را تجمیع کامل نمایند، منتظر منابع موعود و مفقود نباشند و اهمیت ندهند و پروژه‌ها را با منابع موجود علاج و کارسازی کنند تا مدیری سعید و موفق حساب شوند

در ادامه‌ی فضیلت مدیریتی «ترک طلب المفقود» در نوبت چهارم فقه الحدیث، به کلامی نورانی از امیر مدیران، علی بن ابی طالب علیه السلام توجه می‌کنیم:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ كَانَ علیه السلام يَقُولُ: مُعَالَجَةُ الْمَوْجُودِ أَفْضَلُ مِنْ أَنْتِظَارِ الْمَفْقُودِ.^۱

معالجه^۲ به معنای به‌کارگیری اثربخش توأم با اصلاح است؛ یعنی منابع موجود را خوب به کار بگیر و مصرف کن، بهره‌وری کن، استانداردها را رعایت کن. این فضیلت و مزیت بیش‌تری برای سازمان دارد از این‌که نگاهت به گمرک باشد تا منابع نوین و تازه از راه برسد. به داشته‌های نگاه کن و متمرکز باش که وقتی متمرکز می‌شوی، می‌بینی زیادند؛ مثل هیزم در بیابان که در نگاه اول به نظر نمی‌آید یا کم به دیده می‌آید، بعد که به علاج و جمع‌آوری و حیازت آن می‌پردازی، می‌بینی زیاد و انبوه و کارساز است.^۳ تعجب می‌کنی که واقعاً در انبارهای شرکت و نزد اعضاء و شرکاء چقدر سرمایه و ذخیره موجود است که خبر نداشتیم. چون به موجودی دقت نمی‌کردیم و آنچه خود داشتیم ز بیگانه تمنا می‌کردیم. مثل تحریم‌شده‌ها در صندوق، انبار، کیسه‌ها و گوشه‌ها جمع کردیم و بعد تعجب می‌کنیم که چقدر زیاد بود. این فرایند معالجه‌ی موجود بسیار اعجاب‌انگیز است. نقدینگی موجود فراوان است، سریع به کار بگیریم و انتظار مفقود را نکشیم، زمان را نکشیم و از وقت استفاده کنیم. خواهیم دید که چه سودی خواهیم برد. نیازی به هروله بین صفا و مروه نبود، آب نه در صفا و نه در مروه بود، بلکه زیر پای اسماعیل تشنه علیه السلام بود.

بیت

آب کم جو تشنگی آور بدست تا بجوشد آبت از بالا و پست

این یعنی معالجه‌ی موجود که فرآیندی خوشایند است؛ حساب کردن روی داشته‌ها و تجمیع آن‌ها و به‌کارگیری و بهره‌وری صحیح منابع انسانی و امکانی موجود خیلی پرفضیلت‌تر است از چشم دوختن به راه تا کامیون‌ها چه زمان از راه می‌رسد؟ و مواد اولیه چه وقت به دست می‌آید؟ چه زمان وام جور می‌شود؟ از خود و خدایت وام بگیر، خواهی دید معجزه‌ی علاج موجود را. چنین مدیری سعید است؛ زیرا نه در انتظار مفقود موعود است، بلکه در فکر علاج موجود است و نسبت به مفقود «استهانت» دارد؛ یعنی سخت نمی‌گیرد، اولویت نمی‌دهد، وقت نمی‌گذارد، ذهن و چشم و دل را خسته نمی‌کند تا کمی می‌رسد، و اگر هم برسد معلوم نیست کار موجود را انجام

^۱ حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص. ۹۷.

^۲ معالجه: رفتار، معامله، معالجه، طرز عمل، درمان، معالجه: حل [کردن]، بررسی، تحقیق، تفحص، بازنگری، پرداختن به (مطلبی)، معالجه [کردن]، برخورد، رفتار، رسیدگی، پردازش. علاج: علاجٌ مُعَالَجَةٌ وَعِلَاجٌ [علاج] هُ: در آن کار چاره جوئی و ممارست کرد. علاجٌ الْمَرِيضِ: بیمار را درمان کرد. علاجٌ الْمَسْأَلَةُ: موضوع را مورد مطالعه قرار داد. علاجٌ: پرداختن به (بررسی کرد)، مورد بحث و بررسی قرار داد، متعرض (مطلبی) یا... شد، را تحقیق کرد، را بررسی کرد، را بازنگری کرد. علاجٌ: بادست عمل کردن، با استنادی درست کردن، با مهارت انجام دادن، اداره کردن، دستکاری کردن، شفا دادن، مداوا کردن، دارویی کردن.

^۳ رسول اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از مسافرت‌ها با اصحابش در سرزمینی خالی و بی‌علف فرود آمدند. به هیزم و آتش احتیاج داشتند، فرمود: «هیزم جمع کنید». عرض کردند: «یا رسول الله! ببینید این سرزمین چقدر خالی است! هیزمی دیده نمی‌شود». فرمود: «در عین حال هر کس هر اندازه می‌تواند جمع کند». اصحاب روانه‌ی صحرا شدند، با دقت به روی زمین نگاه می‌کردند و اگر شاخه‌ی کوچکی می‌دیدند برمی‌داشتند. هرکس هر اندازه توانست ذره ذره جمع کرد و با خود آورد. همین که همه‌ی افراد هرچه جمع کرده بودند روی هم ریختند، مقدار زیادی هیزم جمع شد. در این وقت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «گناهان کوچک هم مثل همین هیزم‌های کوچک است، ابتدا به نظر نمی‌آید، ولی هر چیزی جوینده و تعقیب کننده‌ای دارد؛ همان‌طور که شما جستید و تعقیب کردید این قدر هیزم جمع شد، گناهان شما هم جمع و احصا می‌شود و یک روز می‌بینید از همان گناهان خرد که به چشم نمی‌آمد، انبوه عظیمی جمع شده است».

دهد. پس نقد را با نسیه معامله و معالجه نمی‌کند. این کارگزاری سعید و خوش‌بخت است. سعید^۴ یعنی کسی که ابزار و وسائل کار او جور می‌شود، در و تخته و میخ و چکش، ابرو باد و مه و خورشید، نیروی انسانی، بودجه و برنامه و... وقتی جورچین می‌شود، پازل صنعت او فراهم و تهیه می‌گردد. او نمی‌داند از کجاست، ولی در موجودی او، در بازوی او، در صندوق و جیب و کیس او بوده و توجه نداشته و اهمیت نمی‌داده است. این تهیه و فراهم شدن منابع و امکانات برای یک کار را سعادت می‌گوییم و چنین مدیری سعید است؛ زیرا به مفقودات، نداشته‌ها و موعودات استهانت^۵ داشته است، یعنی جدی نمی‌گرفته و اولویت و اهمیت نمی‌داده است و این راهبردی دیگر از امیر مدیران تاریخ است که فرموده است: «السَّعِيدُ مَنْ اسْتَهَانَ بِالْمَفْقُودِ».^۶ ان شاء الله در افتاء بعدی کلمه‌ی سعید را در فرهنگ سازمانی در ارتباط با منابع موجود و مفقود تفقه بیش‌تری داشته باشیم.

فتحصل که کارکنان باید از منابع موجود بهره‌وری بهینه‌کنند؛ یعنی آن‌ها را تجمیع کامل نمایند، منتظر منابع موعود و مفقود نباشند و اهمیت ندهند و پروژه‌ها را با منابع موجود علاج و کارسازی کنند تا مدیری سعید و موفق حساب شوند.^۷

^۴ چنان‌که در المعجم الوسيط آمده است: السعادة معاونة الله للانسان على نيل الخير و تضاده الشقاوة. سعادت به معنی نیک بختی، فلاح و رستگاری، و آن حالتی است که در آن انسان با ایجاد شرایط و ظرفیت‌های لازم بتواند موانع را شکافته و کنار بزند و زمینه‌ی بهره‌مندی هرچه بیش‌تر از نعمت‌ها و رحمت الهی و مواهب معنوی و آخرتی را در وجود خویش به وجود آورد و راه وصول به خیر و مبداء کل خیرات عالم را پیش پای خود هموار نماید. در آیه‌ی ۱۰۸ سوره‌ی مبارکه‌ی هود: «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَبِئْسَ الْبُحْتُ وَالْمَقَادِرُ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ يُجْدُوذُ». ترجمه: (اما نیک‌بختان تا آسمان‌ها و زمین پا برجاست در بهشت‌اند، و در آن جاودانه‌اند، مگر آن‌چه را که پروردگارت بخواهد، [بهشت] عطایی قطع‌نشدنی و بی‌پایان است). و سعید کسی است که نافرمانی خدا را نکند و با اطاعت محض و عبادت و عبودیت خالصانه‌ی الهی و تزکیه‌ی نفس و آزاد کردن خود از قیود تعلقات دنیائی برای رسیدن به کمالات لایق خویش تلاش نماید. و سعادت حقیقی انسان با وصول او به هدفی که خداوند تبارک و تعالی برایش تعیین کرده و ذات او فطرتاً اقتضای آن را دارد تأمین می‌شود.

^۵ سبک شمردن، حقیر دانستن، خوار شمردن، جست‌وجوی دقیق، استهانت. (فرهنگ معین)

^۶ خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج. ۲، ص. ۴.

^۷ درس ۱۵۹ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۲۴ شهر ذی الحجة ۱۴۴۷.